

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

هفدهم ربیع الاول ۱۴۴۶ مطابق با ۱۴۰۳/۶/۳۱

خجسته میلاد پیامبر اعظم، پیامبر نور و رحمت محمد مصطفی (ص) و امام جعفر صادق (ع)

را به پیشگاه اهلبیت عصمت و طهارت به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (عج) و به همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت و همه مسلمانان و ستمدیدگان و محرومین جهان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ سَيِّدَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الطَّيِّبِينَ فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا نَبِيَّ اللَّهِ يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ يَقْبَلَ مِنِّي عَمَلِي،

ز یک مشرق نمایان شد دو خورشید جهان آرا

که رخت نور پوشاندند بر تن آسمان ها را

دو مرات جمال حق، دو دریای کمال حق

دو نور لایزال حق، دو شمع جمع محفل ها

حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود: « لَا بُدَّ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ دَابَّةٍ فَارِهَةٍ وَ دَارٍ وَاسِعَةٍ وَ ثِيَابٍ جَمِيلَةٍ وَ سِرَاجٍ مُنِيرٍ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ لَنَا ذَلِكَ فَمَا هِيَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَّا الدَّابَّةُ الْفَارِهَةُ فَعَقْلُهُ وَ أَمَّا الدَّارُ الْوَاسِعَةُ فَصَبْرُهُ وَ أَمَّا الثِّيَابُ الْجَمِيلَةُ فَحَيَاتُهُ وَ أَمَّا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ فَعِلْمُهُ؛ » (المواعظ العديدة، علی مشکینی، ص ۲۱۳). مؤمن به چهار چیز نیاز دارد: مرکبی چاق و نیرومند، خانه وسیع، لباس زیبا و چراغ روشنی بخش. مسلمانان حاضر گفتند: یا رسول الله! ما اینها را نداریم. منظور شما از اینها چیست؟ فرمود: مرکب قوی، عقل؛ خانه وسیع، بردباری؛ لباس زیبا، شرم و حیا؛ و چراغ روشنی بخش، علم و دانش اوست.»

موضوع تدبر:

تفاوت نگاه ظاهر بین و نگاه حقیقت بین و داشتن سرمایه‌های ظاهری و حقیقی، در نگاه پیامبر مکرم اسلام (ص) چه راهی را برای سعادت پیش روی اهل ایمان می‌نهد؟ پرداختن به سیره عملی و شیوه زندگی و ارزش های اخلاقی و انسانی پیامبر رحمت(ص)، انسان گم شده را چگونه به ساحل نجات هدایت می‌کند؟

پاسخ اجمالی:

پیامبری که اعظم پیامبران الهی، والاترین انسان و تأثیرگذارترین چهره تاریخ بشر است، توانست در دهشت انگیزترین محیطها، در بین مردمی نادان، کینه‌توز، جنگ پیشه، بیابان‌نشین دور از تمدن، بت‌پرست، آدم‌کش و...، مردمی، قهرمان خداباور، نرم‌خو، انسان‌دوست، پارسا، کفر ستیز و عدالت‌خواه بسازد، قطعاً شناخت عظمت وجودی آن اسوه شایسته (لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) که رحمت فراگیر (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) خدا برای تمام مردم است. ضرورت مبرم و انکار ناپذیر است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، هر مومنی به وسیله اساسی (عقل، صبر، حیا و علم) محتاج می‌بیند؛ چهار وسیله که می‌تواند انسان را به بصیرت دینی و سعادت حقیقی برساند؛ بدون بصیرت دینی انسان دچار دام شیاطین جنّی و انسی می‌شود و قادر نیست سعادت باطنی از ظاهری را تشخیص دهد، تفصیل بیش‌تر مطلب محتاج مقدمات مبسوط‌تری است که تقدیم خواهد شد.

ای شاه سوار ملک هستی سلطان خرد به چیره دستی

ای ختم پیمبران مرسل حلوی پسین و ملح اول

سر خیل تویی و جمله خیلند مقصود تویی همه طفیلند

پاسخ تفصیلی:

اما تفصیل بیش‌تر مطلب این است که: با اینکه هر انسانی کمال طلب است و خداوند متعال آن را در ضمیر افراد نهاده است. اما تنها افراد متقی سیر صعودی دارند. اگر کسی از بصیرت دینی برخوردار باشد ملت، یکپارچه از فتنه‌های احتمالی جلوگیری خواهند کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله سعادت هر شخص مومن را در گرو چهار چیز دانست: «لابد لكل مومن من اربعة اشياء»:

دابه فاره: مرکب قوی (فاما دابه فاره: فَعْقَلُهُ) و اما مرکب قوی مومن پس عقل مومن است. خداوند متعال در وجود انسانها چهار قوه را قرار داده است که آنها عبارتند از: ۱ - قوه عقل ۲ - قوه غضب ۳ - قوه شهوت ۴ - قوه وهم؛ که اگر عقل بر آن سه قوه دیگر غالب و پیروز شود انسان مومن سعادت واقعی را کسب کرده است و اما اگر هر یک از این سه قوه یعنی غضب، شهوت و وهم حکمران و بر قوه عقل مسلط شوند هیچگاه شخص به آن سعادت حقیقی نخواهد رسید.

گروهی از دوستان امام جعفر صادق علیه السلام در خدمت ایشان بودند که امام علیه السلام به نکته‌ای بسیار ارزنده و کارساز در هر رده از مشکلات اخلاقی و روحی پرداختند که اگر هر کس اعضاء و جوارح خود را با این منش الهی وفق دهد از بسیاری از ناملایمات به صورت خودکار به دور خواهد ماند و حضرت به این مسئله توجه داشتند که عقل و جهل را به همراه لشکرشان بشناسید تا به راه مطلوب برسید.

و آنان خواستند که حضرت عقل و جهل را به همراه لشکرشان به آنان بشناساند، آن حضرت فرمود: خداوند متعال عقل را خلق کرد، و آن اول آفریده‌ای است از روحانیان که از طرف راست عرش از نور خویش آفرید و آنها جسم‌های لطیف‌اند که به چشم دیده نمی‌شود. سپس خداوند به عقل فرمود: پشت کن، عقل پشت کرد، و بعد از آن فرمود: رو کن، رو کرد. خدای تبارک و تعالی فرمود: تو را آفریده بزرگ آفریدم و تو را بر همه آفریدگان خود تکریم دادم. حضرت فرمود: بعد از آن، جهل را از دریای تلخ آفرید که تاریک بود. سپس به جهل فرمود: از عالم ملکوت و نور پشت کن، و جهل قبول کرد و پشت نمود. بعد

از آن فرمود: رو کن، و جهل قبول نکرد و رو نیاورد. خدای تعالی فرمود: سر پیچی کردی و او را لعنت فرمود. (تحفة الأولیاء (ترجمه اصول کافی)، ج ۱، ص: ۱۱۵) سپس خداوند متعال به جهت گرامی نمودن عقل هفتاد و پنج لشکر برای او قرار داد و جهل هم به تکریمی که خداوند به او عطا فرمود دشمنی عقل را در دل نگهداشت و گفت: همانطور که عقل را آفریدی و بزرگش داشتی و او را تقویت نمودی من هم ضدد او هستم و کمال دشمنی و مخالفت با او را دارم و من هیچ قوتی در برابر او ندارم پس همانند آن من را به لشکری مجهز و آماده کن. خداوند متعال فرمود: چنین می‌کنم. پس اگر سرپیچی از تو به عمل آمد تو و سپاه و همراهانت را از رحمت خود خارج می‌کنم و جهل هم از این شرط راضی و خشنود گشت و خداوند نیز هفتاد و پنج لشکر به او عطا فرمود.

از این قرار لازم است در کسب عقل و سپاه او کوشا بود و خداوند مَنان هم برای برخورداری از هر یک، ابزارهایی را قرار داده است و حجت را بر تمامی افراد به صورت اتم و اکمل بدون هیچ نقائصی تمام کرده است و جای هیچ بهانه ای باقی نخواهد ماند. انسان تا زنده است با بدی و خوبی درگیر است و باید بهترین را انتخاب کند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَ لَا مَعْرِفَةً إِلَّا بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ إِنَّ الْإِيمَانَ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ» خدای عز و جل عملی را نپذیرد جز به معرفت و معرفت هم نباشد جز با عمل. هر که معرفت پیدا کند، او را به عمل راهنمایی می‌کند و هر که عملی ندارد، معرفتی ندارد. ایمان هر قسمتی از قسمت دیگر پدید آید. (شیخ صدوق، أمالی الصدوق، ص: ۴۲۲)

ده دستور راهکارهای پیدا کردن بصیرت:

در سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله وسلم:

۱ - ایمان و عمل صالح همراه با اخلاص: خداوند در آیه ۲ می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بَالَهُمْ» و کسانی که (به آنچه بر انبیا نازل شده) ایمان آورده و کارهایی شایسته کردند و به آنچه بر محمد (صلی الله علیه و آله) نزول یافته (از وحی و قرآن و شریعت) در حالی که همه از جانب پروردگارشان حق است ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را بزدود و حالشان را (در دنیا و آخرت) اصلاح نمود.

۲ - یاری کردن دین و پیامبر الهی: در آیه ۷ خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَنْبِتْ أَقْدَامَكُمْ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را (پیامبر و دین و کتاب او را) یاری نمایید خدا هم شما را (در رسیدن به اهدافتان) یاری می‌کند و قدم‌های شما را استوار می‌دارد.

۳ - مسافرت در زمین و عبرت گرفتن از عاقبت پیشینیان: در آیه ۱۰ خداوند می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا» پس آیا آنان در روی زمین سیر نکردند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! خداوند آنچه را داشتند (از نفوس و عائله و اموال) هلاک نمود و (البته) برای این کافران نیز امثال این عاقبت‌ها و عقوبت‌ها خواهد بود.

۴ - کار کردن بر اساس برهان الهی و متکی بر عقل و شرع: «خداوند در آیه ۱۴ می‌فرماید: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» پس آیا کسانی که (کارهایشان) بر (پایه)

حجت و برهانی از پروردگار خویش است (مانند مؤمنان متکی بر عقل و شرع) همانند کسانی هستند که عمل‌های بدشان برای آنان آراسته شده و از هواهای خود پیروی کرده‌اند؟!!

۵ - فرمان‌پذیری و سخنی نیک: در آیه ۲۱ خداوند می‌فرماید: «طَاعَةٌ وَ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ» فرمان‌پذیری و سخنی نیک برای آنها بهتر است، و چون کار (جنگ) جدی شد، پس اگر با خدا از سر صدق درآیند (و به رغبت به جهاد روند) البته برای آنها بهتر خواهد بود.

۶ - دوری از قطع رحم و صله‌ی ارحام و همنشینی با آنها: و خداوند در آیه ۲۲ می‌فرماید: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ» پس آیا از شما (منافقان و ضعیف‌الایمان‌ها) جز این متوقع است که اگر از اسلام روی گردانید (یا در اسلام به ولایت و حکومت رسیدید) در روی زمین فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را به کلی قطع نمایید؟!!

۷ - تدبیر و اندیشه در قرآن کریم: خداوند در آیه ۲۴ می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْقَالُهَا» پس آیا در این قرآن تدبیر و اندیشه نمی‌کنند یا بر دل‌هایی قفل‌های (عناد و قساوت و شقاوت) آن نهاده شده است؟!!

۸ - سستی نشان ندادن و دشمن خود را به صلح دعوت نکردن: خداوند در آیه ۳۵ می‌فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالُكُمْ» پس ضعف و سستی نورزید و (دشمن را) به آشتی دعوت نکنید، در حالی که شما برترید و خدا با شماست و هیچ‌گاه عمل‌های شما را بی‌پاداش نمی‌گذارد.

۹ - ایمان و تقوا و دوری از لغو و سرگرمی‌های حرام: سوره انفال آیه ۲۹ خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید برای شما نیرویی جدا کننده (تشخیص‌دهنده حق از باطل) قرار می‌دهد و گناهان (صغیره) شما را می‌زداید و (گناهان کبیره) شما را می‌آمرزد و خدا دارای فضل و احسان بزرگ است. خداوند در آیه ۳۶ می‌فرماید: «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ إِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَ لَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ» جز این نیست که زندگی این دنیا بازیچه و سرگرمی‌است، و اگر ایمان بیاورید و پرهیزکاری کنید پاداش‌های (دنیوی و اخروی) شما را می‌دهد و (در برابر آن همه) اموالتان را هم نمی‌خواهد (بلکه از برخی از شما و از برخی از اموالتان يك پنجم یا يك دهم یا يك چهل و مانند اینها را مطالبه می‌کند).

۱۰ - انفاق در راه خداوند و دوری از بخل: خداوند در آیه ۳۸ می‌فرماید: «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَ مَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَ اللَّهُ الْعَنِي وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» به هوش باشید، شما همانها هستید که دعوت می‌شوید تا در راه خدا انفاق کنید پس برخی از شما بخل می‌ورزند، و هر که بخل ورزد جز این نیست که نسبت به خود بخل می‌ورزد، و خداست که بی‌نیاز است و شما باید که نیازمندید، و اگر (از دین او) روی برتابید به جای شما گروه دیگری را می‌آورد، آن‌گاه آنها مانند شما نخواهند بود.

و دار واسعه: خانه‌ی وسیع (فأما دار واسعه: فَصَبْرُهُ) و اما خانه وسیع او پس صبر او است. صبر به سه قسم تقسیم می‌شود که عبارتند از: **۱ - صبر بر اطاعت:** یعنی صبر داشتن در قبال عمل به وظایف و انجام دادن هر چیزی که برای شخص نهاده شده است و استواری و استقامت ورزیدن در اطاعت بدون

اضطراب. ۲ - صبر بر معصیت: یعنی ثابت قدم بودن در ترک آن چیزی که ترک کردن آن لازم است و از انجام دادن آن نهی شده است از قبیل معاصی و منکرات و محرمات. ۳ - صبر در بلا: یعنی مواجه شدن با مصیبت بدون هر گونه اضطراب و هر آنچه که خلاف طبع آدمی باشد. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص: ۱۸۳)

هر مومنی با داشتن این سه نوع صبر به دو قوه نیازمند و محتاج است که آنها از قبیل: قوه جاذبه و قوه دافعه. همانطور که گفته شد در اینکه صفت صبر، بر شخصی صادق باشد باید از اضطراب تهی باشد و اینگونه صبر سبب رافت و رحمت شخص می شود رافت و رحمت هر دو به معنای مهربانی است اما با این تفاوت که رحمت، مهربانی در جذب خوبیها است (قوه جاذبه) و رافت، مهربانی در دفع بدیها است (قوه دافعه).

از اینرو هر مومنی باید دو بال رافت و رحمت را داشته باشد که با یک بال بدیها را دفع و با بال دیگر خوبیها را جذب کند. که خداوند در مورد چنین رحمتی در سوره مبارکه فتح آیه شریفه ۲۹ می فرماید: أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ در برابر کفار نیرومند و سرسخت و در میان خودشان مهربانند. در کسب صبر با گفتن دو ذکر از خداوند متعال یاری جوئیم: ۱ - یا رَوْفٌ یا رَحِيمٌ ۲ - لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و ثياب جميله: لباس زیبا و قیمتی (فاما ثياب جميله: فحیائه) و اما لباس زیبا و قیمتی او پس حیای او است. با توجه به اینکه حیا و شرم باید مانع از انجام هر زشتی در انسان مومن باشد، ولی ما در اینجا تنها به برخی از موارد آن بسنده می کنیم: خداوند در سوره نور در مورد حیا خطاب به مردان و زنان دستور داده است که در آیه ۳۰ به مردان مومن می فرماید: « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ » به مردان با ایمان بگو که چشمان خود را (از آنچه دیدنش حرام است مانند عورت دیگران و بدن زن اجنبی) فرو بندند. و در آیه ۳۱ به زنان مومن می فرماید: « وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ » و به زنان با ایمان بگو که چشمان خود را (از نگاه به عورت غیر و بدن مرد اجنبی) فرو بندند. در شأن نزول این آیه آمده است که: جوانی در بین راه، زنی را دید و به او چشم دوخت و دنبال او راه افتاد. طوری غرق نگاه بود که صورتش به دیوار برخورد کرد و مجروح شد، و نزد پیامبر صلوات الله علیه آمد و ماجرای خود را نقل کرد. و این آیه نازل شد. (تفسیر نور، ج ۸، ص: ۱۷۳)

امیر المومنین علیه السلام در نهج البلاغه در رابطه نگاه کردن تعبیر بسیار زیبایی دارند که می فرمایند: «الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ» آنچه را که چشم می بیند در دل و قلبمان ثبت می شود. (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، ص: ۴۳۴)

و نیز آن حضرت می فرمایند: « لَكُمْ أَوَّلُ نَظَرَةٍ إِلَى الْمَرْأَةِ فَلَا تُتْبِعُوهَا بِنَظَرَةٍ أُخْرَى وَ اخْذَرُوا الْفِتْنَةَ » نگاه اول مانعی ندارد ولی ادامه ی نگاه اشکال دارد، زیرا سبب فتنه می شود. (محمد بن علی، ابن بابویه، الخصال، ج ۲، ص: ۶۳۲)

و سراج منیر: چراغ پور نور (فاما سراج منیر: فَعَلْمُهُ) و اما چراغ پور نور او پس علم او است. به روایت امام موسی کاظم علیه السلام: پیامبر داخل مسجد شد، در آنجا مردمان را دید که در پیرامون مردی گرد آمده اند. گفت: این چیست؟ گفتند: علامه است. گفت: علامه چیست؟ گفتند: داناترین مردم به نسبهای اعراب و رویدادهای ایشان و جنگهای جاهلیت و اشعار عرب. پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت:

این دانشی است که اگر کسی آن را نداند زیانی به او نمی‌رساند و چون کسی آن را بداند سودی برایش ندارد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «... إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ : آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ...» سه چیز علم است: آیتی استوار، یا فریضه‌ای عادلانه، یا سنتی برقرار، و آنچه جز اینها است فضل است. (محمدرضا، حکیمی؛ الحیة / ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۱۱۷) که آیتی استوار همان علم کلام و فریضه‌ای عادلانه همان علم احکام و سنتی برقرار همان علم اخلاق می باشد.

ای نام تو جان بخش تراز آب حیات محتاج تو خلقی به حیات و به ممات

از بعثت انبیا و ارسال رسل مقصود تو بودی به جمالت صلوات

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة